



موعظه ها و نامه های رسمی پاپ فرانسوا

پیام پاپ فرانسوا برای زمان روزه ۲۰۱۵

"دل قوی دارید" (یع ۵ : ۸)

خواهران و برادران گرامی

زمانِ روزه برای تمامی کلیسا، برای هر اجتماعِ کلیسایی و هر ایماندار زمانِ نوشتن است. فراتر از هر چیز "زمانِ فیض" است (دوم قرن ۶ : ۲). خدا از ما آن چیزی را که خود به ما نبخشیده باشد نمی‌خواهد. "ما محبت می‌کنیم چراکه او نخست ما را محبت نمود" (اول یو ۴ : ۱۹). او نسبت به ما بی‌اعتنا نیست. هر کدام ما از ما در دل او جای داریم. او ما را به نام می‌شناسد. او مراقب ماست و وقتی ما از او روی می‌گردانیم به جستجوی ما بر می‌آید.

به هر کدام از ما علاقمند است؛ محبت نمی‌گذارد که او نسبت به آنچه بر ما می‌رود بی‌اعتنا بماند. معمولاً وقتی سالم و آسوده ایم اغلب فراموش می‌کنیم که به فکر دیگران هم باشیم (کاری که هرگز از خدای پدر سر نمی‌زند)، مشکلات و رنج‌های آنان و بی‌عدالتی‌هایی که در حق‌شان می‌شود دیگر برایمان مهم نیست. بنابراین دل ما در دام بی‌اعتنایی می‌افتد: تا وقتی من نسبتاً سالم و آسوده هستم، آنان که چندان آسوده نیستند را فراموش می‌کنم. این منشِ خودخواهانه بی‌اعتنایی امروزه بُعدی جهانی یافته است تا جایی که می‌توان از یک جهانگیری بی‌اعتنایی سخن گفت. این مشکلی است که ما به عنوان مسیحیان باید با آن روبرو شویم.

هنگامی که مردمانِ خداوند به محبت او می‌گروند، با پاسخ پرسشهایی که تاریخ پی‌درپی پیش می‌کشد روبرو می‌شوند. یکی از ضروری‌ترین این چالش‌ها که مایلیم در این پیام به آن بپردازم جهانگیری بی‌اعتنایی است. بی‌اعتنایی نسبت به همسایه و نسبت به خدا حتی برای ما مسیحیان یک وسوسه واقعی است. از همین رو است که باید هر سال در زمانِ روزه، فریادِ پیامبرانی را که با آواز بلند خویش ما را بیدار می‌کنند بشنویم.

خدا به جهان بی‌اعتنا نیست، بلکه آن را تا آنجا محبت کرده است که پسر یگانه خود را برای رستگاری تمامی آدمیان بخشیده است. دروازه میان خدا و آدمی و آسمان و زمین، برای همیشه در تنیافت، زندگی زمینی، مرگ و رستاخیز پسر یگانه خدا گشوده می‌شود. و کلیسا مانند دستی است که این در را به یمن موعظه سخن خدا، برگزاری آیین‌های فیض‌بخش و شهادت بر آن ایمان که از راه محبت کار می‌کند (غلا ۵ : ۶) باز نگاه می‌دارد. با این وجود، جهان تمایل دارد که در بند خود بماند و این در که خدا از راه آن به جهان درمی‌آید و جهان از راه آن به سوی او می‌رود را ببندد. بنابراین، این دست که کلیسا باشد، هرگز نباید تعجب کند که پس زده شود، زخمی شود یا بشکند.

از این رو است که مردمانِ خداوند به این تازه‌شدن نیاز دارند تا بی‌اعتنا و در-بند-خود نباشند. به منظور این نوشتن، مایلیم سه متن را برای ژرفاندیشی پیشنهاد کنم:

۱- " اگر یک عضو دردمند گردد همه اعضا با او دردمند باشند " (اول قرن ۱۲، ۲۶) - کلیسا

محبتِ خدا در-بند-خود بودنِ کشنده که همانا بی‌اعتنایی باشد را در هم می‌شکند و کلیسا این محبت را از راه آموزش‌ها و به‌ویژه گواهی‌اش به ما پیشکش می‌کند. با این همه ما نمی‌توانیم بر چیزی گواهی دهیم مگر آنکه خود آنرا پیشتر تجربه کرده باشیم. مسیحی کسی است که می‌گذارد خدا او را در نیکی و رحمتِ خود با ردای مسیح بپوشاند، تا مانند او خادمِ خدا و مردم شود. این امر به روشنی در آیینِ عبادی پنجشنبه مقدس به همراه سنتِ شستنِ پاها دیده می‌شود. پطرس نمی‌خواست که عیسی پاهای او را بشوید، اما بعد دریافت که منظور عیسی آن نیست که تنها نمونه‌ای در شستنِ پاهای همدیگر به ما بدهد. تنها کسانی که نخست گذاشته اند که مسیح پاهایشان را بشوید می‌توانند این خدمت را در حق بقیه انجام دهند. تنها آنها " سهمی " با او دارند (یو ۱۳ : ۸) و بنابراین می‌توانند دیگران را خدمت کنند.

زمانِ روزه وقتی مناسب است برای آنکه بگذاریم مسیح ما را خدمت کند و به این ترتیب ما نیز همانند او شویم. این وقتی روی می‌دهد که سخنِ خدا را می‌شنویم و آیین‌های فیض‌بخش و به ویژه آیینِ سپاسگزاری را دریافت می‌کنیم. آنجا که ما همان چیزی می‌شویم که آن را دریافت می‌کنیم یعنی تنِ مسیح. آن بی‌اعتنایی که اغلب بر قلب ما چیره می‌شود در این تن جایی ندارد. چراکه هرآنکه از مسیح است به یک بدن تعلق دارد و در او هیچ کس به دیگری بی‌اعتنا نیست. « اگر یک عضو دردمند گردد همه اعضا با او همدرد باشند؛ و اگر یک عضو سرافراز شود، همه در خوشی او شریک گردند » (اول قرن ۱۲ : ۲۶).

کلیسا *communio sanctorum* (مشارکت مقدس) است چراکه مقدسان در آن شرکت می‌کنند و همچنین از آن رو که مشارکتِ امورِ مقدس است: عشقِ خداوند در مسیح و تمامی عطایای او که بر ما آشکار شده است. پاسخ آنان که می‌گذارند این محبت آنان را لمس نماید نیز در میان این عطایا است. در این اجتماعِ مقدسین و در این مشارکت-در-امور-مقدس کسی از خود چیزی ندارد بلکه هرچه دارد از آن همه است. و از آنجا که ما به خداوند پیوند خورده‌ایم، می‌توانیم برای آنان که دور اند نیز کاری بکنیم، برای آنانکه ما هرگز با نیروی خود نمی‌توانیم به آنها دسترسی داشته باشیم، چراکه ما با آنان و برای آنان، خداوند را می‌خوانیم تا در برابرِ طرحِ رستگاری‌بخش او گشوده باشیم.

۲- " برادرت کجاست؟ " (پید ۴ : ۹) - نواحی و اجتماعاتِ کلیسایی

اینک باید تمامی آنچه دربارهٔ کلیسای جهانی گفته شده است در زندگی نواحی و اجتماعاتِ کلیسایی به کار بسته شود. آیا در این واقعیتِ کلیسایی می‌توان اعضای-یک-تن-بودن را تجربه کرد؟ بدنی که همزمان تمامی آنچه خدا می‌خواهد ببخشد را دریافت کرده و تسهیم نماید؟ تنی که ناتوان‌ترین، فقیرترین و کوچکترین اعضای خود را

می‌شناسد و مراقب آنان است؟ و یا آنکه ما در سایهٔ یک محبتِ عمومی که از دور تمامی جهان را در بر می‌گیرد پناه می‌گیریم و ایلعازر را که بر در بستهٔ خانهٔ ما نشسته است (لو ۱۶ : ۱۹-۳۱) فراموش می‌کنیم؟

برای دریافت و پُر بار کردن آنچه خدا به ما ارزانی می‌کند باید از دو سو از مرزهای کلیسای مرئی گذشت.

نخست، در یگانه کردن خویش با کلیسای آسمانی در نیایش. وقتی کلیسای زمینی نیایش می‌کند، مشارکتی را در خدمت و محبتِ دوسویه برقرار می‌کند که تا به حضورِ خدا می‌رسد. ما به همراه مقدسین که کمالِ خویش را در خداوند یافته‌اند، در این مشارکت که در آن محبت بر بی‌اعتنایی چیره شده است، شرکت می‌کنیم. کلیسای آسمانی پیروز نیست، چراکه به رنج‌های جهان پشت کرده و در تنهایی شادی می‌کند. برعکس، مقدسان می‌توانند از پیش در این حقیقت تعمق و شادی نمایند که با مرگ و رستاخیزِ عیسی قطعاً بر بی‌اعتنایی، سختی قلب و نفرت چیره شده‌اند. مادامیکه این پیروزیِ محبت در تمامی جهان نفوذ نکند، مقدسان همچنان با ما که زائریم گام برمی‌دارند. ترزای مقدس اهل لیزیو، عالم کلیسا، آگاه از این امر که تا هنگامی که هنوز یک انسان بر زمین رنج می‌برد، شادیِ پیروزیِ محبتِ مصلوب در آسمان کامل نیست، نوشت: "یقین دارم که در آسمان بیکار نخواهم بود، خواستِ من آن است که همچنان برای کلیسا و روح‌ها کار کنم".

ما در شایستگی‌ها و شادیِ مقدسان شریک‌ایم و آنان در نبردِ ما و خواستِ ما در صلح و آشتی شریک‌اند. شادیِ آنها از پیروزیِ مسیح برخاسته، الگویی است نیرومند برای ما در عبور از تمامی شکل‌های بی‌اعتنایی و سخت‌دلی. دوم آنکه از هر اجتماعِ مسیحی انتظار می‌رود که از خود بیرون بیاید و در زندگی جامعهٔ پیرامونِ خود به‌ویژه در زندگی فقیران و دورافتادگان شریک شود. کلیسا در ذاتِ خود مژده‌رسان است، در خود محصور نیست بلکه به سوی تمامی مردمان و ملت‌ها فرستاده شده است.

مأموریتِ او آن است که صبورانه بر آنکس که می‌خواهد هر زن و مرد و تمامی آفرینش را به سوی پدر بکشاند، گواهی دهد. این مأموریت، آوردنِ آن محبتی است که نمی‌تواند خاموش بماند. کلیسا در پی عیسی مسیح است، در راهی که تا اقصای زمین (اعم ۱: ۸) به سوی تمامی آدمیان می‌رود. همچنین می‌توانیم در همسایهٔ خود خواهر و برادری را ببینیم که مسیح برای او مُرد و برخاست. تمامی آنچه ما دریافت کرده‌ایم برای خاطرِ آنان نیز بوده است. و به همین شکل آنچه از آن برادرانِ ماست، موهبتی برای کلیسا و تمامی انسانیت است.

برادران و خواهرانِ گرمی، چه بسیار مایلم که تمامی جاهایی که کلیسا در آنها حاضر است، به‌ویژه نواحی و اجتماعاتِ کلیسایی، جزیرهٔ رحمتی باشند در میانهٔ دریای بی‌اعتنایی!

۳ " دل قوی دارید " (یع ۵ : ۸) - هر مسیحی

همچنین هرکدام ما به عنوانِ یک فرد، با وسوسهٔ بی‌اعتنایی روبرو است. ما لبریز از اخبار و تصاویر دردناکی هستیم که روایتگرِ رنجِ انسانی‌اند و اغلب احساس می‌کنیم که به کلی از هرگونه کمک‌رسانی ناتوانیم. چه باید بکنیم تا در این مارپیچِ اضطراب و ناتوانی گیر نیافتیم؟

نخست، می‌توانیم در مشارکتِ کلیسایِ زمینی و آسمانی نیایش کنیم. نیروی نیایشِ این همه انسان را دست‌کم نگیریم! اقدام ۲۴ ساعته برای خداوند که من امیدوارم در روزهای ۱۳ و ۱۴ مارس در تمامی کلیسا حتی در سطح اسقف‌نشین‌ها برگزار شود، ضرورت نیایش را نشان می‌دهد.

دیگر آنکه می‌توانیم به یمنِ سازمان‌های خیریهٔ پرشمارِ کلیسا، با نیکوکاری، هم به نزدیکان و هم به آنان که دور هستند کمک کنیم. زمانِ روزه، زمانی است مناسب برای نشان دادنِ این توجه به دیگران، با نشانه‌ای ولو کوچک اما مشخص از تعلق‌مان به خانوادهٔ یکتای انسانی.

سرانجام، رنجِ دیگران دعوتی است به تحول، چراکه نیازِ آنان، شکنندگیِ زندگیِ من و وابستگی‌ام به خدا و دیگران را به من یادآوری می‌کند. اگر ما فروتنانه فیضِ خدا را بطلبیم و محدودیتِ توانایی‌های خود را بپذیریم، آنگاه به امکاناتِ بی‌پایانی که محبتِ خدا برای ما در بر دارد اعتماد خواهیم کرد و خواهیم توانست در برابرِ این وسوسهٔ شیرانه که می‌توانیم خود و جهان را به تنهایی نجات بدهیم، مقاومت کنیم.

برای گذر از بی‌اعتنایی و ادعای قدرتِ مطلق، من مایلیم از همگان درخواست کنم که این زمانِ روزه را چنان که بندیکت شانزدهم گفت همچون دوره‌ی شکل‌دهیِ قلبِ زندگی کنند. دلی مهربان دلی ضعیف نیست. آنکه می‌خواهد بخشنده باشد نیامند دلی است قوی، استوار، بسته در برابر وسوسه‌گر اما گشوده رو به خدا؛ قلبی که می‌گذارد روح در آن نفوذ کند و محبت را در راهایی که به سوی برادران و خواهران‌مان می‌روند با خود ببرد. و در نهایت، قلبی فروتن که به راستی حقارتِ خود را درمی‌یابد و خود را آزادانه نثارِ دیگران می‌کند.

خواهران و برادرانِ گرامی، به این منظور من مایلیم که در این زمانِ روزه با شما از مسیح چنین بطلبیم: "قلب-های ما را همچون قلبِ خویش بگردان". به این ترتیب ما دلی قوی و مهربان خواهیم داشت، مراقب و سخاوتمند، که در بندِ خویش نیست و در دامِ جهانگیریِ بی‌اعتنایی نمی‌افتد.

با این آرزو، دعا می‌کنم که این زمانِ روزه از نظرِ روحانی برای هر ایماندار و اجتماعِ کلیساییِ پُربار باشد و از شما می‌خواهم که برای من دعا کنید. باشد که خداوند شما را برکت دهد و مریم مقدس نگهدارِ شما باشد.

۴ اکتبر ۲۰۱۴

جشنِ فرانسوا آسیسی

از واتیکان